



Exploring Religion and Tradition in Frithjof Schuon's Traditionalist Approach and Its Implications for Religious Education

Nabiollah Dehghan Khalili¹ , Babak Shamshiri² 
Mohammad Hassan Karimi³ , Amin Izadpanah⁴ 

1. PhD student in Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran
(Corresponding author).

Nd66shiraz@gmail.com

2. Professor, Department of Fundamentals of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

bshamshiri@rose.shirazu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Fundamentals of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

mhkarimi@rose.shirazu.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Fundamentals of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

aizadpanah@shirazu.ac.ir

Received: 2025/01/24; Accepted 2025/05/12

Extended Abstract

Introduction and Objectives: This study aims to examine the concepts of tradition, religion, and religious education within the framework of Frithjof Schuon's traditionalist approach, and to explore their pedagogical implications for contemporary religious education. The research addresses the challenges of modernity by proposing educational strategies grounded in tradition.

Method: The study employs a qualitative, descriptive-analytical approach. Drawing from authoritative sources, the ideas of traditionalist thinkers—particularly Schuon—are extracted, synthesized, and comparatively analyzed. Key concepts related to the process of religious education are then interpreted through an integrative lens.

Findings: According to Schuon and other traditionalists, religion permeates all dimensions of human life. Its marginalization leads to a spiritual crisis and poses existential risks to society. Schuon views the weakening of religiosity as a direct





Research Institute of
Hawzah and University

Islamic Education (EDU)

Journal homepage: <https://islamicedu.rihu.ac.ir/>



Original Article

consequence of modernism and advocates for a rational and spiritually aware engagement with modernity, grounded in a return to tradition. Tradition, in his view, is rooted in divine revelation and contains eternal wisdom that unites all authentic religions and ultimately connects humanity to Allah.

Education in the modern world, therefore, must be based on metaphysical principles and perennial wisdom. It should draw upon the teachings of the Qur'an and Hadith as the foundational sources of Islamic tradition, offering guidance for both worldly and spiritual well-being. Schuon sees religion as the manifestation of sacred tradition and bearer of a universal truth present at the heart of all religions.

Stages of Religious Formation and Spiritual Transformation: Schuon defines religious education as the cultivation of the spiritual and moral dimensions of the human being. He views humans as multidimensional beings with the potential for transcendence, and considers their highest calling to be union with the Divine. He outlines three key stages in the spiritual journey:

1. The Religious-Spiritual Path (Tazkiyah)
2. Expansion (Inshirāḥ)
3. Perfection and Union (Kamāl wa Wiṣāl)

He also identifies three essential virtues—humility, benevolence, and truthfulness—as prerequisites for spiritual progress.

Conclusion: This study critically engages with Schuon's traditionalist approach to address the challenges of religious education in the modern world. It presents perennial wisdom as a path of salvation for contemporary humanity, emphasizing the centrality of religion, spirituality, and morality. The paper highlights the essential roles of the educator, learner, and educational environment in fostering religious education.

It calls for the development of an effective, spiritually grounded educational system—one rooted in rationality and insight—that can offer meaningful programs for youth aligned with moral and religious values. Ultimately, the study highlights the significance of spiritual transformation and the integration of both theoretical and practical aspects of religion—through prayer, virtue, beauty, and sincerity—as essential criteria for authentic religious education.

The authors recommend that curriculum designers incorporate the teachings of the Qur'an and tradition to ensure that the goals of religious education are reflected across all aspects of societal life.

Keywords: Tradition, Religion, Religious Education, Schuon.

Cite this article: Nabiollah Dehghan Khalili, Babak Shamshiri, Mohammad Hassan Karimi, and Amin Izadpanah (2025). "Exploring Religion and Tradition in Frithjof Schuon's Traditionalist Approach and Its Implications for Religious Education." *Journal of Islamic Education* 20(53): 117-136.



واکاوی دین و سنت در رویکرد سنت‌گرایی فریتیوف شوان و دلالت‌های آنها در تعلیم و تربیت دینی

نبی اله دهقان خلیلی^۱ ، بابک شمشیری^۲

محمدحسن کریمی^۳ ، امین ایزدپناه^۴

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

Nd66shiraz@gmail.com

۲. استاد، بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

bshamshiri@rose.shirazu.ac.ir

۳. استادیار، بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

mhkarimi@rose.shirazu.ac.ir

۴. استادیار، بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

aizadpanah@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

چکیده گسترده

مقدمه و اهداف: این پژوهش با هدف بررسی مفاهیم سنت، دین و تربیت دینی در رویکرد سنت‌گرایی فریتیوف شوان و دلالت‌های تربیتی آنها در حوزه تربیت دینی انجام شده است. این پژوهش در صدد مقابله با دنیای تجدد و ارائه راهکارهای تربیتی مبتنی بر سنت است. **روش‌شناسی:** این پژوهش از نوع کیفی و توصیفی - تحلیلی است. ابتدا با استفاده از منابع معتبر، اندیشه‌های سنت‌گرایان به‌ویژه فریتیوف شوان استخراج و سپس با نگاه ترکیبی، تلخیص و هم‌نگری شده‌اند. در نهایت، مفاهیم مرتبط با فرایند تربیت دینی پردازش شده‌اند.

یافته‌ها: به اعتقاد سنت‌گرایان از جمله شوان، دین قابلیت نفوذ بر همه ابعاد زندگی انسان‌ها را دارد و حذف دین موجب بحران معنویت و خطرات جبران‌ناپذیری برای جوامع خواهد داشت. لذا شوان، تضعیف دین‌داری را نتیجه مستقیم تجدد‌گرایی می‌داند و بهترین





نوع مقاله: پژوهشی

راه مواجهه با این چالش را شناخت عمیق و هوشمندانه دنیای تجدد بر مبنای نگرش عقلانی و بازگشت به سنت می‌داند که در واقع هسته اصلی و منبعث از ذات هستی است و در دل آن خرد جاودانی قرار دارد که در نهایت همه ادیان را یکی می‌کند و در قله هستی به خداوند متصل می‌کند. بنابراین سنت، ریشه در وحی دارد و در بستر زمان و مکان جاری است. بنابراین تعلیم و تربیت در دنیای کنونی باید مبتنی بر اصول متافیزیکی و حکمت جاویدان باشد و بر استفاده از آموزه‌های قرآن و حدیث به عنوان سرچشمه‌های سنت اسلامی تأکید شود، چراکه تعلیم این دو منبع موجب سعادت هر دو جهان خواهد شد. از نظر شوان دین نیز، تجلی سنت‌های معنوی و حکمت جاودان است و حامل حقیقتی است که در قلب تمامی ادیان وجود دارد.

مراحل تحقق تربیت دینی و تحول معنوی: شوان، تربیت دینی را فرآیند پرورش جنبه‌های معنوی و روحانی انسان می‌داند که باید شامل آگاهی از اصول انسانی، اخلاقی و معنوی باشد لذا انسان‌ها به عنوان موجوداتی دارای بُعد معنوی و پتانسیل حرکت به سوی مطلق در نظر می‌گیرد و انسان را دارای ساحات چندگانه می‌داند و معتقد است شریف‌ترین رسالت انسان، اتصال به ذات الهی است. لذا سه مرحله اصلی برای تربیت دینی قائل است: طریق دینی - معنوی (تزکیه)، طریق اشراق (انشراف) و مرحله نهایی کمال و وصال. همچنین، سه فضیلت ویژه (تواضع، احسان، صدق) را مقدمه طی طریق معنوی می‌داند.

نتیجه‌گیری: این مقاله با بررسی دیدگاه‌های فریتیوف شوان، متفکر سنت‌گرا، به بررسی چالش‌های تربیت دینی در دنیای مدرن می‌پردازد. شوان، فلسفه جاویدان را به عنوان راه نجاتی برای انسان معاصر در مواجهه با تجددگرایی معرفی می‌کند، چراکه این فلسفه ریشه در وحی الهی داشته و انسان را به سوی حقیقت مطلق هدایت می‌کند. مقاله با تأکید بر اهمیت دین، معنویت و ارزش‌های اخلاقی، نقش کلیدی مربی، متربی و محیط را در فرآیند تربیت دینی مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، با انتقاد از دنیای مدرن و غفلت آن از معنویت، بر لزوم ایجاد نظام آموزشی کارآمد، دینی و مبتنی بر عقلانیت و بصیرت تأکید می‌شود تا برنامه‌های تربیتی مفیدی برای نسل جوان در راستای ارزش‌های اخلاقی و دینی ارائه گردد. در نهایت، مقاله بر اهمیت تحول معنوی و لزوم توجه به ابعاد نظری و عملی دین، همراه با نیایش، فضیلت، زیبایی و صدق، به عنوان شروط اساسی اعتبار و اصالت دین تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌کند که صاحب‌نظران نظام آموزشی در طراحی متون درسی، از قرآن و حدیث بهره‌مند شده و اهداف تربیت دینی را در تمامی جنبه‌های زندگی افراد جامعه منعکس نمایند.

تشکر و قدردانی: با توجه به اینکه این پژوهش برآمده از رساله نبی اله دهقان خلیلی دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز با راهنمایی‌های استاد راهنما (جناب آقای دکتر بابک شمشیری) و مشاورین رساله (جناب آقایان محمدحسن کریمی و امین ایزدپناه) می‌باشد. لذا نویسنده مقاله از راهنمایی‌های ایشان، سردبیر، مدیران، کارشناسان و داوران فصلنامه علمی تربیت اسلامی تشکر و قدردانی می‌نماید.

تعارض منافع: «هیچگونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است».

واژگان کلیدی: سنت، دین، تربیت دینی، شوان.

استناد: نبی اله دهقان خلیلی، بابک شمشیری، محمدحسن کریمی و امین ایزدپناه (۱۴۰۴). «واکاوی دین و سنت در رویکرد سنت‌گرایی فریتیوف شوان و دلالت‌های آنها در تعلیم و تربیت دینی». مجله تربیت اسلامی ۲۰ (۵۳): ۱۱۷-۱۳۶.

۱. مقدمه

سنت‌گرایی نهضتی است که پس از رونق تجدد خود را نشان داد. و پس از آن روشنفکران غربی با اندیشه‌های سنتی شرقیان آشنا شدند و راه خروج از بحران معنوی را در اندیشه‌های سنتی شرق جستجو کردند ابتدا گون توانست غربیان را با اندیشه‌های سنتی شرقی پیوند بزند. بعد از او، کوماراسوامی و شوان دنباله‌رو او شدند و با عده‌ای محدود به نقد دنیای غرب پرداختند. لذا سنت‌گرایی به این معنا سابقه‌ای طولانی دارد. در این پژوهش منظور ما از سنت‌گرایی، آن مسلک فکری و معنوی است که تشریح‌کننده حکمت جاویدان است و در بطن تمام ادیان نهفته است و کل حوزه انسان شناختی، مابعدالطبیعه و اخلاق همراه با نقد دنیای مدرن همراه دارد. شوان، برخلاف تجددگرایان، انسان را در عالی‌ترین مرتبه هستی و حقیقت مطلق نمی‌بیند چراکه او حقیقت مطلق را متعلق به خدا می‌داند. همچنین او اخلاق را دستورالعمل‌هایی می‌داند که منجر به تحول و رشد انسان‌ها می‌شود و ارتباط معناداری با انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و وجودشناسی دارد، چراکه رفتارهای اخلاقی منجر به تحولی در آدمی می‌شوند (انسان‌شناسی) و این تحول، منجر به فهم و دیدی وسیع می‌شود (معرفت‌شناسی) که نهایتاً به جهان به‌عنوان واقعیتهای مطابق واقع می‌نگرد (وجودشناسی) و او را سنتی بار می‌آورد. در واقع سنت‌گرایان، کل جهان‌بینی، اصول و مبانی تجدد را نقد می‌کنند و حکمت جاویدان را جایگزین دنیای مدرن می‌کنند. (اطهری و منشادی، ۱۳۹۳، ص ۳). هدف این پژوهش بررسی مفهوم دین و سنت از دیدگاه سنت‌گرایی فریتیوف شوان و استنتاج مضامین آن در تعلیم و تربیت دینی است. لذا با توجه به رابطه انکارناپذیر دین و تربیت. اگر نظام آموزشی بخواهد کار تربیت را به‌خوبی انجام دهد باید به سراغ ارزش‌های اخلاقی و متعالی دینی برود. (داوودی و اعرافی، ۱۳۸۳، ص ۲۲). اما با گسترش دنیای مدرن، ارتباط دین با دنیای مدرن تیره شد و بیشتر اندیشمندان آن، دین را مانع امیال خود دیدند و آن را از تعلیم و تربیت دور کردند و معتقد بودند انسان مدرن از پس همه کارها برمی‌آید و نیازی به دین ندارد. اما با ایجاد بحران‌های اخلاقی و معنوی، همان متفکران مخالف ارزش‌های دینی، فقدان دین در زندگی و خصوصاً تعلیم و تربیت را احساس کردند و به سنت پناه آوردند (مشایخی راد، ۱۳۸۰، صص ۹-۱۲). چراکه دین نه تنها نیازهای معنوی را برآورده می‌کند، بلکه می‌تواند بسیاری از انحرافات حال حاضر، از جمله خودکشی، قتل، دزدی و... را درمان کند. لذا دیدگاه‌های شوان در این زمینه می‌تواند کارساز باشد چراکه در تحلیل رویکرد عرفانی ایشان می‌توان به بررسی اصول و مفروضه‌های ایشان پیرامون سنت، دین و تربیت دینی پرداخت. از این‌رو پژوهش حاضر با تمرکز بر آراء، اندیشه‌های عرفانی ایشان، به استنتاج پیامدهای رویکرد ایشان در زمینه سنت، تربیت دینی می‌پردازد. لذا درک دیدگاه ایشان نیازمند پاسخگویی به سوالات زیر است.

۱. سنت و سنت‌گرایی از دیدگاه شوان چیست؟
۲. چه ارتباطی بین دین و سنت وجود دارد؟
۳. از نگاه شوان دین چه خصوصیت‌هایی دارد؟
۴. نگاه شوان به انسانی که موضوع تربیت قرار می‌گیرد چگونه است؟
۵. نگاه شوان به تربیت دینی چگونه است؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی است، لذا جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آنها از روش کتابخانه‌ای و جستجو در اسناد و پایگاه‌های اینترنتی استفاده شده. روش سازماندهی و انجام پژوهش نیز از نوع تحلیلی - اسنادی بوده؛ که با بهره‌گیری از منابع جمع‌آوری شده، به استنتاج دلالت‌های تربیت دینی و سنت پرداخته شده است. منابع مورد نظر به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند؛ بدان معنا که براساس اهمیت و میزان ارتباط سند با موضوع، فرم‌های فیش‌برداری به‌عنوان ابزار پژوهش استفاده شده، پس از مطالعه و بررسی تحلیلی اسناد، داده‌های جمع‌آوری شده به‌منظور پاسخگویی به سوالات، با استفاده از شیوه‌های تحلیلی کیفی جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.

۳. اندیشه‌های اساسی سنت گرایی

۳-۱. چیستی سنت

سنت، هسته اصلی و منبعث از ذات هستی است که بنابر شرایط زمانی و مکانی، فرهنگی و جغرافیایی به صورت متکثر در دنیا وجود دارد و در دل آن خرد جاودانی قرار داده شده که همه آنها را در رأس قله معنویت ازلی در نهایت یکی می‌کند بنابراین در این تعریف، سنت را همه جایی و همیشگی می‌بینیم. خداوند از ابتدای آفرینش انسان، این حقیقت ازلی را در دل تمامی انسان‌ها قرار داده و لذا فرا زمانی است و همیشگی بوده و خواهد بود چراکه از خودش سرچشمه گرفته و تمامی چیزهایی که برای سعادت، هدایت و رستگاری انسان لازم است از این طریق در اختیارش می‌گذارد. اما مطرح شدنش در دنیای کنونی به صورتی تأکیدآور به اعتقاد نصر، هدیه‌ای است الهی و ازلی که خداوند از طریق برگزیدگان خود برای انسان‌ها فرستاده و نزد بشر قرار داده تا بتواند با آن بر معضلات دنیای تکنولوژیکی فرهنگ غرب فائق آید و به غایت هستی دست یابد... به باور شوان نیز سنت، ریشه در وحی دارد که در بستر زمان، مکان و در مراتب مختلف هست و به این عالم محدود نمی‌شود. بنابراین ما در آخرت هم در سنت الهی هستیم لذا به اعتقاد او آنچه اهمیت دارد توجه به فرق بین مطلق و مقید، خلق و حق، آتما^۱ و مایا^۲ است، بزرگترین خطا، خلط بین این دو است، یعنی انسان، یا وجود حق و مطلق را انکار کند یا نسبی را به جای مطلق بنشاند. در دنیای مدرن، همه چیز در جهت مایا است نه آتما. انجام این تفکیک کار عقل است خدا به انسان عقل داده تا به حقیقت برسد. معرفت، محبت و عمل صالح راه‌های رسیدن به خداست، لذا انسان باید مایا را نفی کند تا به آتما برسد (اعوانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). از نگاه سنت‌گرایان، سنت، منبعث از ذات قدسی است که به قوم، گروه و قبیله خاصی تعلق ندارد و در کل دنیا به اشکال گوناگونی چهره باری تعالی را منعکس می‌کند (حسن‌زاده و شیخ، ۱۳۹۵، ص ۱۱). لذا همه کسانی که در محیط سنتی زندگی می‌کنند تحت اوامر قدسی رشد و نمو می‌کنند و سنت با کمک دین، محیط تربیتی غنی و پرمحتوایی برای متریان فراهم می‌آورد (شوان، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲).

۳-۲. سنت گرایی

سنت‌گرا بودن التزام به سنت‌های دینی است. سنت‌گرایی تنها تصدیق و پذیرش ذهنی نیست بلکه تعهد و التزام، کل وجود شخص را به منصف ظهور می‌رساند (آلدمو، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). شوان، سنت‌گرایی را سپری در برابر فقدان درک کسانی می‌داند که از قوه تمیز برخوردار نیستند و معتقد است حتی اعمال کورکورانه سنت هم فایده دارد (امامی جمعه و طالبی، ۱۳۹۱، ص ۳). لذا سنت‌گرایی توجه به باورهای ارزشی در بطن ادیان است که از خداوند نشأت گرفته، و تشریح‌کننده حکمت خالده‌اند (اطهری و منشادی، ۱۳۹۳، ص ۲). از دید شوان، سنت‌گرایی قدرت درک و چهارچوب معیارگونه ایجاد می‌کند که افراد در جامعه معقولانه رفتار کنند (قربانی، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

۳-۳. نسبت دین و سنت

شوان، دین را تجلی سنت‌های معنوی و حکمت جاودان و حامل حقیقتی می‌داند که در قلب تمامی ادیان وجود دارد و فراتر از زمان و مکان است. و هر دین، متناسب با فرهنگ و زمان خود، حقیقت جاودان را بیان می‌کند. لذا، ادیان به عنوان راه‌های رسیدن به حقیقت مطلق عمل می‌کنند که در سنت‌های مختلف به اشکال گوناگون تجلی یافته‌اند. شوان، سنت را آموزه‌های دینی، هنر، معماری، و سایر جنبه‌های فرهنگی می‌داند که بیانگر حقیقت معنوی و حامل و نگهبان حقیقت جاودان هستند. او تأکید می‌کند ادیان از طریق آموزه‌ها، مراسم و آیین‌ها، نقش

۱. ذات حقیقی و جاودان انسان و به عنوان بخشی از حقیقت مطلق است.

۲. توهم یا پوششی که واقعیت حقیقی را پنهان و باعث می‌شود که انسان‌ها دنیای مادی را به عنوان واقعیت اصلی ببینند و از حقیقت غافل شوند.

مهمی در حفظ و انتقال این سنت‌ها به نسل‌های بعدی دارند لذا علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری بین ادیان، یک وحدت بنیادین به نام حقیقت جاودان در قالب‌های مختلف دینی و سنتی تجلی می‌یابد. لذا، شوان دین و سنت را دوروی یک سکه می‌بیند که هر دو، هدف مشترک کسب حقیقت معنوی را دنبال می‌کنند (Schuon, 1976, P. 22).

۴-۳. چهره و حیانی دین

ظهور دین الهی در دنیای نسبیت، شکل و شمایل شرایط زمانی و مکانی و انسانی به خود می‌گیرد اما علی‌القائده دارای شرایط زیر است، یعنی:

۱. کل جهان و همه اقوام را در بر می‌گیرد.
۲. جنبه الهی دارد.
۳. نگاه الهی به ماوراءالطبیعه دارد.
۴. برای شناخت ادیان باید از حکمت خالده شناخت داشته باشیم (نقیبی و شمشیری، ۱۳۹۵، ص ۷) و لذا ویژگی‌های آن از دیدگاه سنت‌گرایان از جمله شوان به صورت زیر نیز می‌باشد:

۴-۳-۱. تقدس یافتن دین و حیانی و فرد بنیانگذار

- شوان می‌گوید امر مقدس ویژگی‌های مهمی دارد:
۱. سرچشمه اش ذات قدسی است.
 ۲. انسان عادی از درک آن ناتوان باشد.
 ۳. دارای ویژگی امر مطلق است. لذا هر چیزی خواه کتاب، مکان، زمان، متن‌ها یا زبان‌های الهی برای حفظ و بقای دین از سوی خدا به انسان‌ها هدیه شده مقدس است، به باور سنت‌گرایان کتاب الهی، هم مقدس می‌شوند و هم باعث ویژگی‌هایی می‌شوند که متربی به سوی آنها گرایش پیدا می‌کند و برای آورنده آن قداست قائل می‌شود و اعمال و رفتار او را به عنوان الگو دنبال می‌کند (شوان، ۱۳۶۸، ص ۳۹).

۴-۳-۲. محوریت متون مقدس

سنت‌گرایان معتقدند متون دینی چون از خداست، با متن‌های غیر دینی انسان‌ساخته متفاوتند لذا عالم هستی و متون الهی نیز همدیگر را پشتیبانی و تأیید می‌کنند همچنین وحی بیرونی نیز که بر عقل ناب انسانی نظارت می‌کند با ایجاد نمادها و نشانه‌ها و علائم باعث می‌شود عقل اسرار آن را دریابد و به مسائل پاسخ گوید (شوان، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

۴-۳-۳. تعلیمات و مناسک دینی

قوانین و مقررات و هنجارهای دینی که از خدا هستند در قالب تعالیم و مناسک و به شکل حکایت‌ها، و قصه‌ها که قدرت جذب زیادی دارند در محیط آموزشی عرضه می‌شوند.

۳-۵. انسان‌شناسی

شوان می‌گوید: انسان چون صورت خداست لذا ویژگی امر مطلق در خود دارد و می‌توان به سویش بشتابد. بنابراین عشق و معرفتی بین خدا و انسان هست که به سویش حرکت می‌کند چون خداوند خودش معرفت و عشق است انسان را چون خود آفریده و از این عشق و معرفت مایه‌ای دارد. لذا او انسانی که صورت خداست را نه موجودی کاملاً متناهی و نه موجودی کاملاً عین خدا می‌نگرد که اگر این‌گونه بود، انسان نمی‌توانست تصویری کامل از تناهی بودن و موجودی غیر از خدا بودن در مورد خود بکند (شوان، ۱۳۸۸).

۳-۵-۱. ساحات چندگانه انسان در تربیت دینی

۳-۵-۱-۱. ساحت روحانی^۱

شوان، ساحت روحانی را جنبه‌های متافیزیکی و بخشی از عالم صغیر که فراتر از جهان مادی و پلّی بین انسان و جهان هستی است می‌بیند. و شامل ارتباط انسان با خدا، نیایش، و تجربه‌های معنوی می‌داند که باعث می‌شود انسان به آرامش درونی و درک عمیق‌تری از جهان و جایگاه خود در آن برسد. (کاتسینگر، ۱۹۳۵، ص ۲۶۳).

۳-۵-۱-۲. نفس انسان

شوان می‌گوید نفس انسان به معنای عام، سه رکن متمایز: قوه عاقله، اراده و احساس دارد. نفس، جایگاه اندیشیدن، برای متصل و متحد شدن با خداست باید تمهیدی اندیشید که سه جز، مطابق سرشت خاص آن جذب شده، توأمان آن را اندیشید، برگزید و احساس کرد. این همان مراقبه است، یعنی به کار انداختن قوه خیال مؤمنانه و برانگیختن قوه یادآوری افلاطونی، مراقبه چیزی در اختیار ما می‌گذارد که درباره آن بیندیشی، اندیشه و احساس وقتی هماهنگ عمل کنند مشتاق می‌شویم به فضیلت‌های قرین آنها متحقق شویم انتخاب‌هایمان متناسب با فضیلت‌هایمان شوند، لذا تمرین مداوم مراقبه، تحول درونی و ملکه شدن عکس‌العمل‌های خودجوشی است که با واقعیت‌های معنوی مطابقت دارد.

۳-۵-۱-۳. بدن

به باور شوان، بدن انسان، جلوه قابل رؤیتی از خدا در مکتب معرفت است که گرچه روی زمین آمده اما در هاله‌ای آسمانی محصور شده، او عالم صغیر را مظهر تجلی حق و اصلی‌ترین و بارزترین انعکاس خدا می‌داند و مخلوقات دیگر فرعی و حاشیه‌ای می‌داند گرچه مرکزیت به نفس یا روح تعلق دارد اما به جسم یا بدن هم تعلق دارد انسان یک رمز مقدس است چون صورت خداست، چنین نیست که نفس به بهای طرد بدن، تصویر صورت باشد و نباید بدن را به قیمت طرد نفس که در آن خانه کرده عزیز داشت، گرچه بدن آخرین ساحت انسان است که خلق شده، اما در مظهر بودنش از ساحات مقدم بر خود، هیچ کمتر نیست. بنابراین ضروریست بدنمان را مورد مذاقه قرار دهیم (صالحی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶).

پس بدن در نیایش ابزار مؤثری برای تمرکز و حضور معنوی است. سجده‌ها، حرکات سر و دست، تنفس ریتم‌دار و مناجات و ذکر لسانی، راه‌هایی است که بدن از طریق آنها انرژی معنوی می‌گیرد و به خدا نزدیک می‌شود.

۱. از نظر شوان، رابطه بین روح و نفس رابطه‌ای طولی است، روح در مرتبه‌ای بالاتر و متعالی‌تر از نفس قرار دارد. و به‌عنوان منشأ و جوهره اصلی نفس عمل می‌کند، درحالی‌که نفس جنبه‌ای از وجود انسان است که در دنیای مادی و محدود تجلی می‌یابد. این رابطه عمودی نشان‌دهنده یک سلسله‌مراتب معنوی است که در آن روح بر نفس اشراف دارد و نفس باید به سمت روح جهت‌گیری کند. هدف این رابطه، تعالی نفس و نزدیک‌تر شدن آن به روح است. نفس باید از طریق تزکیه و پالایش، خود را با روح هماهنگ کند تا به حقیقت متعالی دست یابد.

۳-۵-۱-۴. معرفت تحقیق‌یافته

به باور شوان، معرفت حقیقی نزد خداست و انسان‌ها برای کسب آن باید تلاش کنند و نفس خویش را از هرگونه آلودگی پاک کنند و دائماً در جستجوی فضیلت‌های معنوی و اخلاقی باشند. لذا کسب فضایل، پیوسته موردنظر سنت‌گرایان است چون نفس با کسب فضایل و رفتار بر طبق آنها، آمادگی لازم برای دریافت معارف قدسی پیدا می‌کند. در نتیجه کسب حقیقت، انواع فضایل برای ما متحقق و انسان به کمال و حقایق و معارف معنوی نائل می‌شود (شوان، ۱۹۵۳، ص ۱۷۱).

۳-۵-۱-۵. تمایز اهل ظاهر و اهل باطن

کلید نظریه وحدت متعالی ادیان، تفاوت بین اهل ظاهر و باطن است. کسانی که سطح عرفانی را طی کرده‌اند و در مرتبه طریقت‌اند و کسانی که در مرتبه ظاهری دین یا شریعت‌اند. گرچه هر دو مؤمن‌اند اما جایگاه یکسان ندارند و با هم تفاوت رتبه‌ای دارند و شوان نیز این تفاوت انسان شناختی را تاکید و ناشی از تفاوت انسان‌های مادی‌گرا و انسان‌های معنوی‌گرا می‌داند و می‌گوید: انسان طالب فضایل، از راه تعقل شهودی به بصیرت رسیده‌اند، تفاوتی مبنایی، بین انسانی که از راه باطن به ذات قدسی می‌رسد و انسانی که فقط فهم ظاهری دارد و بیشتر با تقلید زندگی خویش پیش می‌برند وجود دارد (شوان، ۱۹۸۶، ص ۲۲).

۳-۶. راست‌اندیشی دینی انسان

هنجارها و ارزش‌های مبنایی سنت‌گرایان که اساس درست آیین بودن نظام دینی است با تعریف دین که از خداست منطبق‌اند، چون دین درست آیین باید ذات قدسی نشان دهد و مؤثر در زندگی انسان باشد (شوان، ۱۳۸۶، ص ۶۸). شوان می‌گوید، دین راست‌آیین هم با امر مطلق و هم با سنت ارتباط تنگاتنگ دارد لذا در سایه این ارتباط و راست‌آیین بودنش، متریبانی عارف در نظام سنتی تربیت می‌کند (آلدمو، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰).

۴. تربیت دینی براساس آموزه‌های سنت‌گرایی

۴-۱. اصلی‌ترین منابع تربیت دینی از نگاه سنت‌گرایان

۴-۱-۱. قرآن

به باور سنت‌گرایان، در تربیت دینی، بهترین و کامل‌ترین منبع پاسخگویی به سؤالات تربیتی و دینی متریبان قرآن است که البته در کنار سنت، منبعی غنی و پر بار است. شوان نیز به تأسی از همین جامعیت، نوشته‌هایش متأثر از قرآن است، چراکه نوعی پیوند معنایی بین آثارش و قرآن وجود دارد که نشان از هماهنگی و انسجام آراء و اندیشه‌های اوست که اجزاء آن همدیگر را تفسیر و تحکیم می‌کنند و در آثارش می‌توان، سه ویژگی روحانی و متعالی:

۱. درونی یا باطنی بودن؛

۲. پرتو عقل قدسی؛

۳. درک و آگاهی از امر قدسی را مشاهده کرد (قربانی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). در واقع قرآن نه تنها انسان‌ساز، هدایتگر، بلکه شامل همه معارف بنیادی است به علاوه قرآن به جنبه اخلاقی نیز توجه دارد چون مسیر تربیت صحیح و کسب فضایل، رعایت مسائل اخلاقی است و خداوند در قرآن^۱ همواره انسان را متوجه نتایج اعمال و رفتار خودش می‌کند که مطابق هنجارهای الهی رفتار کنند.

۱. نحل (۹۶): «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس (مرد یا زن)، عملی شایسته انجام دهد او را به زندگی طیبه زنده می‌داریم و پاداش عملشان را می‌دهیم».

۴-۱-۲. سنت و حدیث

پیامبر اسلام، منبع همه فضایل و قابلیت‌های معنوی و الگوی قدسی کسانی است که خواهان حقیقتند چون اتصالش به خداست، لذا مسلمانان باید اعمال و رفتار، اقوال و گفتارش که سرشار از رموز معنوی، اخلاقی است و با عنوان سنت و حدیث می‌شناسیم الگو قرار دهند لذا مربیان باید الگوگیری از ایشان را به متربیان خود تعلیم دهند. زیرا راه رسیدن به ذات قدسی قرار گرفتن در مسیر صحیح است که این افراد برگزیده قبلاً پیموده‌اند.

به باور شوان، بین سنت و معرفت قدسی پیوندی عمیق و جدایی ناپذیر است. او معرفت قدسی را در مرکز دایره سنت می‌داند. و معتقد است پا گذاشتن در محیط سنتی بدون فهم قدسی، امکان‌پذیر نیست و برای رسیدن به بصیرت باید در بافت سنت قرار گرفت. به باور ایشان، با اینکه سنت نقش کلیدی در رسیدن به خدا دارد اما صرفاً در فضای سنتی بودن کافی نیست باید آمادگی و شایستگی کسب فضایل نیز به دست آید یعنی در فضای سنتی زندگی کرد؛ چون سنت بن‌مایه قدسی دارد، تا آمادگی لازم ایجاد شود بعد معرفت قدسی آنچه در درون فرد مخفی شده، مجدداً بازایی کند، این معرفت، سرچشمه از خدا دارد، و انسان را از هر قید و بند رهایی می‌بخشد و انسان آسوده‌خاطر به سوی خدا می‌شتابد و به انسانیت دست می‌یابد (طالبی و امامی جمعه، ۱۳۹۳، ص ۵).

احادیث هم مانند قرآن، موضوعات وسیعی در زمینه آفرینش، فرشتگان، ذات احدیت و.... که افراد بشر با آنها درگیرند در بر دارد. که در کنار قرآن، می‌تواند نقش مهمی در زمینه تربیت دینی و معنوی متربیان ایفا کند لذا مربیان باید با کمک این دو منبع غنی و انسان‌ساز، زمینه تعلیم و تربیت قدسی برای متربیان در فضای سنتی تعلیم و تربیت فراهم آورند چراکه محتوای زیادی از کتاب‌های درسی با اصول اخلاقی و ارزشی این دو منبع قابل تفسیر و تعلیم هستند.

۴-۲. هدف تربیت دینی

شوان، تربیت دینی را پرورش و رشد انسان‌ها براساس اصول و ارزش‌های الهی می‌داند. که هدفش رسیدن به خدا و تأمین نیازهای معنویست. لذا تربیت دینی، با شناخت حقیقت انسان براساس آموزه‌های قرآن و سنت، بهترین راه تحقق کمال و سعادت معنوی ارائه می‌دهد. شوان معتقد است: تربیت دینی باید به افراد کمک کند تا بین واقعی و موهوم تمایز قائل شوند و به حقیقت پایبند باشند، فرد بداند ارتباط دائم با خدا رسالت اساسی اوست، تربیت دینی باید شامل جنبه‌های ظاهری و باطنی دین باشد و به آموزش ظاهری اکتفا نکند و براساس اصول و ارزش‌های اخلاقی، افراد را به کمال معنوی سوق دهد. در واقع هدف تربیت دینی، تأکید بر لطف و اصرار بر فضایل به‌ویژه تواضع می‌داند تا فرد به ذات الهی برسد و هدف آن بیش از سعادت دنیوی و حتی بالاتر از پاداش‌های بهشتی می‌داند که این هدف هم به‌صورت سلبی و هم به‌صورت ایجابی می‌توان بیان کرد در واقع هدف مزبور نوعی رسیدن و رهایی نیز هست (شوان، ۱۹۸۵، ص ۱۲۵).

۴-۲-۱. جنبه سلبی یا سوزنده تربیت دینی

به باور شوان، برای رسیدن به ذات الهی باید از هوای نفس دوری کنیم. بهترین کار، نیایش و تأمل با خداست. نیایش، (تنهایی با خداست چه کوتاه یا بلند باشد). همه لحظات زندگی ما باید مملو از خلوت‌های منظم و دائمی با خدا باشد، برای مقابله با محیط ناامن فضای تربیتی مان باید مکان و اوقاتی برای نیایش مهیا کنیم. راهزن بی‌توجهی ما از خدا، فقط دنیای پدیده‌ها و اشکال و صور نیستند در واقع ما در میان زمان یا دیمومت هم هستیم که از تولد تا مردن دنبال تغییر ما هستند با تغییر مکان، پیروز آن می‌شویم اما برای برتری بر زمان باید زیاد تمرین کرد و مرتب نیایش کرد لذا در سال لااقل یک روز کامل نیایش کنید و هر چیزی که مانع نیایش شود ممنوع کنید به همین منوال مرتباً و متناوباً پاره‌ای از روز، از دنیا کناره بگیرید و با خدا خلوت کنید این همان حرکت از بالقوگی به اهلیت یا صلاحیت و فعلیت و از بین بردن انانیت یا قدم گذاشتن در طریقت است.

۲-۲-۴. جنبه ایجابی تربیت دینی

به باور شوان، شریف‌ترین رسالت انسان، اتصال به ذات الهی است. قرار است من انسان کامل و جلوه‌ای از خدای تعالی اظهار وجود کنم لذا جهت رسیدن به ذات یگانه خداوند باید ابتدا رشته هوای نفس که زمینه دوری از حقیقت است گسست و از خود ظاهری جدا شد. بدیهی است طی این طریق جز با سلوک معنوی و نیایش امکان‌پذیر نخواهد بود پس باید فضای تربیتی فراهم کنیم تا عواملی که باعث انحراف حواسمان از حقیقت مطلق می‌شود به آن فضای معنوی راه نیابند ضمناً بدانیم با توجه به وظیفه خلیفه الهی باید واجد حقیقت شویم و به کمک عقل عقل مراتب این حقیقت را دریابیم و مسیر متحقق شدن به حقیقه الحقایق را گام به گام طی نماییم (نصر، ۱۹۹۱، ص ۳۱-۳۲).

۳-۴. تحقق تربیت دینی، تحول معنوی و تحقق اخلاقیات

شوان، تربیت دینی را فرآیند پرورش جنبه‌های معنوی و روحانی انسان می‌داند. که باید شامل آگاهی از اصول انسانی، اخلاقی و معنوی باشد لذا او شرط رسیدن به حقیقه الحقایق را تحول معنوی و تبادل روحانی در انسان می‌داند. و معتقد است، رسیدن به ذات قدسی، طی کردن منازل و مراحل تحول انسانی است که در تعالیم پیامبران و آموزه‌های عارفان هم دیده می‌شود و شوان نیز با طی چنین فضا و تجربه‌ای، به تربیت معنوی دست یافته و معتقد است با توجه به اینکه در تربیت دینی چهار بعد حقیقت، فضیلت، زیبایی و نیایش وجود دارد، لذا تربیت دینی هم، شامل نظر و عمل، یا به تعبیر دیگر هم تعالیم و هم روش سلوک است. حقیقت، حاصل بعد نظری یا تعلیمی طریق معنوی است، حقیقت فهم خداست از طریق شهود عقلی و داشتن معرفت است که تنها در سایه سیر و سلوکی عارفانه بدست می‌آید برای فهم حقیقت باید آن‌گونه عمل کنیم که خداوند و اراده او تعلق گرفته است.. لذا حقیقت، (خداوند) جز در سایه معنویت غیر ممکن است. اما فضیلت، زیبایی و نیایش مربوط به عمل یا روش سلوک است. شوان می‌گوید: معرفت با تزکیه و کسب ارزش‌های اخلاقی قرین است در واقع کسب معرفت به تنهایی کافی نیست. پس باید آن را با سیر و سلوک عرفانی پالایش کرد (Schuon, 1981, P. 104). شوان، حقیقت فضیلت را، سه بعد معرفت کامل می‌داند که با سه مقام اصلی حیات معنوی مؤمن هم‌نوا دارد. نخستین فضیلت، «تواضع» است «محو کردن خویش» دوم «احسان» است «بذل کردن خویش» سوم، «صدق» است که با مقام «متحقق گشتن به حقیقت» روبرو است. و زیبایی، چیزی است که ما آن را به صورت ظاهر درک می‌کنیم اما اصل و اساس زیبایی، (زیبایی نفس) وقتی درک می‌کنیم که به فضیلت‌ها رسیده باشیم. شوان معتقد است، زیبایی واقعی دیدن حق تعالی است که جاودانگی دارد، باطنی و همیشگی است (ملکیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹-۲۳۰). خود را در برابر دیگران ندیدن یک زیبایی ظاهری است اما وقتی خود را در برابر خدا نبیند ولی همه چیز را با خدا و در خدا ببیند بالاترین تواضع است. نیایش، جایی است که آسمان و زمین به هم متصل می‌شود. هر جا انسان خود را در خدا دید و خدا را عبادت کرد آنجا نیایش است. شوان می‌گوید: نیایش یا عبادت، به معنای عام خود، بر چهار عرض عارض، بر وجود ما چیره می‌شود: جهان، زندگی، بدن و نفس؛ می‌توان گفت: مکان، زمان، ماده و هوای، تا انسان را به حقیقت بازگرداند. عبادت، اصطلاحی است که قدرت مقاومت از هر چیزی که بخواهد در برابر خدا قرار گیرد می‌گیرد. (cutsinger, 1997, P. 142). لذا خدا که حقیقت است، هم مقصد است هم انتهای مسیر و مسیر ما از محیطی است که یک سوی آن فضیلت و سوی دیگرش زیباییست و حرکت ما، همان نیایش است (قربانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۰).

به باور شوان، در تربیت دینی؛ طریق کارهای خیر، محبت خالصانه و معرفت در هر سنت اصیلی وجود دارند و از هم قابل تفکیک‌اند گرچه هر دینی ممکن است بر یکی از اینها بیشتر تأکید کند مثلاً در آیین هندو این راه‌های فوق کرمه یوگه^۱، بهکتی یوگه^۲ و جنانه یوگه^۳ است که سه مسیر

۱. انجام کارها با نیت خالص و بدون توقع پاداش. که به فرد کمک می‌کند از دلبستگی به نتایج کارها رها شود و با انجام وظایف خود به نوعی عبادت و خدمت به دیگران بپردازد.
 ۲. بر عشق و devotion به خداوند تمرکز دارد. کمک می‌کند تا فرد از طریق پرستش، دعا و عشق به خدا به آرامش الهی برسد.
 ۳. بر شناخت و دانش تأکید دارد. در این مسیر، فرد حقیقت وجود را از طریق meditative contemplation و تفکر عمیق می‌فهمد. و به دنیای پیرامون، خود آگاهی می‌یابد.

اصلی برای دستیابی به حقیقت و وحدت با خدا هستند و در کنار یکدیگر به جنبه‌های خاصی از روح و انسانیت می‌پردازند و تلاش می‌کنند افراد را در مسیر رشد روحی و تکامل انسانی قرار دهند. لذا در انسان‌ها نیز سه سنخ اصلی، (اهل ابتلا و محنت) که طریقشان توبه و انابه است، (اهل احساسات یا عواطف) که عشق و امید عنصر غالب آنهاست و سنخ (اهل شهود و نظر) که به مدد بصیرت طریق می‌کنند وجود دارند. لذا اگر می‌خواهیم راهی ثمربخش انتخاب کنیم باید این هر سه عنصر در کارداشته باشند (لگنهاوزن، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲). شوان، اخلاق به معنای تطبیق رفتار انسان با اصول و معیارهای ثابت و ازلی است که ریشه در حقیقت متعالی دارند و موجب دیدن جهان به شیوه‌ای نو و تازه می‌شود و این رفتار تجدیدنظر و اصلاح شده، قدرت دیدن به شیوه‌ای مطابق با واقع ایجاد می‌کند. اخلاق، سه فضیلت؛ (تواضع، احسان و صداقت) را شامل می‌شود. تواضع: نگاهی به خودمان بکنیم که گویی شخصی دیگر هستیم.

احسان: دیگران را مثل خودمان بدانیم.

صداقت: حق طلبی است. صداقت متحقق می‌شود وقتی تواضع و احسان کار خود را عالی انجام دهند. این سه فضیلت لازم و ملزوم یکدیگرند. امروزه انسان متجدد برای خود نوعی قداست قائل است که گویی هیچ چیزی به اندازه خود شگفت‌انگیز و قابل اعتنا نیست حال آنکه باید سنت را بر داوری‌های شخصی ترجیح داد و تابع آن بود (شوان، ۱۳۸۱، ص ۲۲-۲۴).

روشن است تعلیم و تربیتی که مبتنی بر اخلاقیات و ارزش‌های معنوی، دینی مسیر خویش را هدایت می‌کند و هم‌جانبه‌مربیانش را تحت تعلیم و پرورش قرار می‌دهد انسان‌هایی چندبُعدی پرورش خواهد داد و مربیان آن، از هرگونه فساد، بی‌اخلاقی در امان خواهند بود و اگر دنیای مدرن مورد انتقاد شوان قرار می‌گیرد به‌خاطر طرد ارزش‌های اخلاقی، معنوی از تعلیم و تربیتشان است که فضای تعلیم و تربیت آنها خالی از فضای سنتی است و نتیجه آن تربیت مربیانی تک‌بعدی فقط در جهت منتفع شدن از مادیات می‌باشد.

اگر نیک نظر کنیم ارتباط این سه عنصر با چهار بعد حقیقت، فضیلت، زیبایی و نیایش به‌خوبی نمایان می‌شود چراکه همان‌گونه که بیان شد انسان‌ها همگی برای رسیدن به قله هستی در تلاشند اما تنها کسانی به حقیقت می‌رسند که با عشق و امید به رسیدن از زیبایی ظاهری به‌عنوان وسیله رسیدن به حقیقت استفاده کنند و با بذل و محو خویش در هستی مطلق و با اخلاص کامل و در سایه دیدن کامل حق تعالی و با بصیرت کامل در مسیر فنا فی اله گام گذارند.

۴-۴. مراحل تحقق تربیت دینی و تحول معنوی

شوان می‌گوید، تربیت دینی سه مرحله اصلی دارد: طریق دینی - معنوی، که با تزکیه آغاز می‌شود و نفس باید از کل تمایلات و تصورات دنیوی پاک و آراسته شود، طریق اشراق یا انشراح، که نفس از تمنای خودپرستانه رها شده با نور معرفت صیقل می‌یابد، مرحله نهایی، کمال و وصال ازلی که بهره‌مندی کامل از سرچشمه قدسی است. او می‌گوید، همان‌گونه که در طریق معنوی، دینی سه مرحله وجود دارد، سه فضیلت ویژه (تواضع، احسان، صدق) هم وجود دارند؛ که هرکدام مقدمه دیگری برای طی طریق معنوی هستند و آدمی با حذف مواردی که در نفسش مغایر با این فضایل است خودش را به کمال می‌رساند (شوان، ۱۹۷۶، ص ۲۵).

لذا انسان برای رسیدن به قله هستی باید اول از خودش جدا شود، دیگران را چون خود ببیند و بعد گام‌ها و منازل طی کند تا به حقیقت الهی متحقق شود.

۴-۴-۱. تواضع

به باور شوان، تواضع، خودشناسی است، نگاهم به دیگران عین نگاهم به خودم باشد، با حقیقت خودم، خودم را ببینم و رفتار کنم، خودم را در برابر ذات قدسی آنچنان که هست، نه در نسبت با افراد دیگر ببینم. تواضع همیشه با خوف از خدا ملازمه دارد. آنچه ما در رفتار اجتماعی مان با

دیگران تواضع می‌نامیم همان خوف از خدا است. که، شأنی از شئون خرد است که در هر زمان خدا را در کنارمان و برتر از خود بدانیم. و بدانیم فقط خدا هست و من هیچم. اگر غرور، برتری خود بر خداست، تواضع یعنی شخص بداند چیزی غیر خدا نیست که آدمی بخواهد ترجیحش دهد اگر غرور نمی‌گذارد انسان برای خدا جاننش را بدهد، تواضع از توجه به این نکته نتیجه می‌شود که در واقع جانی برای درباختن نبوده است (شوان، ۱۹۸۷، ۱۸۵).

۴-۴-۲. احسان

به باور شوان، احسان یعنی عشق معنوی، خیری به شما برسانم و انتظار تلافی یا تشکر نداشته باشم. احسان هم به نفس بر می‌گردد، که پایین‌تر از روح و بالاتر از بدن است.^۱ تنها مصداق احسان که ثمرات ماندگار دارد، احسانی است که نفس را از شر اوهام و هوا نجات دهد و محیطی باز کند تا ذات قدسی جایگزین آن شود و این نجات و رستگاریست که بیشترین خیر در آن است. احسان یعنی دیگران را چنان ببینیم که گویا خود ما هستند و با آنها همان قدر با تساهل و اغماض رفتار کنیم که حقیقت اجازه می‌دهد. فضیلتی است که برای زندگی معنوی ضروریست. یعنی نفس، خدا را فوق هر چیز دوست بدارد و به واسطه این دوست داشتن‌ها حقیقت را ببیند، بچشد، لمس کند نهایتاً مبدل به آن شود. احسان چون خیر را نشانه رفته به نجات نظر دارد و نهایتاً پیشکشی است از خدا به خدا به وساطت خود و از رهگذر موجودات. (شوان، ۱۹۸۴).

۴-۴-۳. صدق

به باور شوان، صدق یعنی خودمان و همسایه‌مان در پرتو ذات الهی ببینیم. یعنی زندگی‌مان با تناسب و ترتیب رهنمون کنیم، تناسب یعنی، عمل کردن مطابق با وضع و حالمان و ترتیب یعنی عمل کردن بر طبق وقت، دقت و وضوح در کلام و رعایت ادب که همه مصداق صدق هستند و برای زندگی و تربیت معنوی ارزشی کمتر از اصالت و درستی تعالیم ندارند، از آثار صدق، انضباط است (درونی و بیرونی) باطنی یعنی بر خود مسلط بودن، کسی که بر خود مسلط است صاحب شرافت و قداست است و از خودش فراتر رفته لذا می‌تواند نفسش را مهار کند. انضباط بیرونی، عمل درست و موافق ترتیب است، کاری که ارزش انجام دادن دارد باید بدون اهمال، کامل انجام شود. کسی که انضباط معنوی دارد در همه کارها متعادل عمل می‌کند (شوان، ۱۹۹۷، ص ۱۴۲).

۴-۴-۴. ارتباط تواضع، احسان و صدق در تحقق تربیت دینی^۲

به باور شوان، تواضع با تصفیه و تزکیه، احسان با مرتبه اشراق و انشراح و صدق با مرتبه کمال که نهایت تربیت معنویست متناظر است. و بین آنها انفصال یا ترتیب وجود ندارد. تواضع و احسان در صدق تداوم می‌یابند و صدق نیز پیش فرض آنهاست. تواضع و احسان از حقیقت نشات می‌گیرند و حقیقت مبتدای حرکت آنهاست در واقع حقیقت اساس کار است و بدون حقیقت تواضع و احسان وجود نخواهد داشت و بدون صدق، حقیقت در نفس سالک نخواهد نشست. در نهایت، صدق به هیچ وجه ارزش تواضع یا احسان را نفی نمی‌کند ولی بر این واقعیت مبتنی است که در زندگی معنوی حقیقت باید مبنای هر چیز باشد.

۱. شوان، (روح، نفس و بدن) سه جنبه متفاوت اما مرتبط از وجود انسان هستند. روح، اصل الهی و جاودانه، نفس به عنوان واسطه بین روح و بدن، و بدن به عنوان جنبه مادی وجود، در یک سلسله مراتب وجودی قرار دارند. هدف نهایی انسان، بازگشت به اصل الهی خود از طریق تکامل معنوی و هماهنگی این سه جنبه است.

۲. در آثار شوان، این سه فضیلت، همگی مهم و مرتبطند. شوان معمولاً به یک ترتیب خطی بین آنها اشاره نمی‌کند که یکی بر دیگری برتری داشته باشد. این سه فضیلت مکمل یکدیگرند و بر اهمیت هر کدام در سیر و سلوک معنوی تأکید می‌کند. نمی‌توان ترتیب دقیقی برای آن‌ها قائل شد، می‌توان گفت که صدق و تواضع، زمینه را برای احسان فراهم می‌کنند.

۴-۴-۵. سیرتحقق تربیت دینی

به باور شوان، سیر تربیت دینی را به صورت حرکت در مکان تصور می‌کنیم درستش این است که آن را در درجه اول حرکتی قائم و در جهت عکس نیروی وزن خود و کشش رو به پایین هوا و خودمحوری تصور کنیم. ابتدا در حالت تصدیق کورکورانه و کاهلی معنوی هستیم، روز و شب مان با تشویش، تفرقه نفس و یکنواختی ملال آور می‌گذرد در چنین وضعی نفس در لابه لای پوسته های مرده اشیا زندگی می‌کند نه در ذات مطلق که حیات و عشق است بنابراین برداشتمان از خودمان کج و معوج، باورمان از خودمان، برگرفته از تجارب بیرونی و درونی تصاویر ذهنی هست. لذا به خاطر کبر و کاهلی درونمان، تلاش های معنوی ما باید هم جنبه سلبی و سوزنده و هم جنبه ایجابی و سازنده داشته باشد تا همه چیز درون ما بر خدا متمرکز شود و خدا خود را بر ما ظاهر کند (نصر، ۱۳۸۱، ۵۹۶).

۴-۵. عوامل مؤثر درتحقق تربیت دینی

شوان می‌گوید، تعلیم و تربیت باید بر مبنای اصول متافیزیکی و حکمت جاویدان باشد لذا نه تنها وظیفه اش انتقال دانش، بلکه پرورش روح و معنویت در انسان نیز هست. پس دین و معنویت، نقش اساسی در تربیت انسان دارند و نیایش و ارتباط با خدا را رسالت اصلی انسان می‌داند. و تأکید می‌کند تعلیم و تربیت باید انسان را به حقیقت متافیزیکی و شناخت مطلق نزدیک کند لذا نظام های آموزشی مدرن که تمرکزشان بر موفقیت های مادی است، و تربیت معنوی را مدنظر ندارند نقد می‌کند. به باور او آموزش باید شامل جنبه های معنوی و اخلاقی هم باشد تا متریبان به درک عمیق تری از معنای زندگی برسند و از حقیقت متافیزیکی دور نشوند (شوان، ۱۹۹۰، ص ۱۴۱).

۴-۵-۱. نقش مربی در تربیت دینی

به اعتقاد شوان، روش های آموزشی باید با اهداف اخلاقی و معنوی هماهنگ و در جهت رشد همه جانبه متریبان باشند تا آنها بتوانند از طریق تجربه های شخصی و معنوی به درک عمیق تری از دین برسند پس مربیان باید آموزش را فرایندی معنوی در نظر بگیرند تا متریبان درک عمیقی از جهان بدست آورند لذا او معتقد بود تعلیم و تربیت دینی باید براساس اصول حکمت جاویدان، که شامل احترام به تمامی ادیان و شناخت مشترکات معنوی بین آنهاست باشد. او می‌گوید، هر دینی حقیقتی متعالی دارد که انسان را در رسیدن به کمال معنوی کمک می‌کند لذا معلمان نقش حیاتی در انتقال این سنت ها دارند، آنها باید دانش و مهارت لازم را داشته باشند و خود نمونه زندگی براساس اصول سنتی و پایبند به اصول دینی و اخلاقی باشند تا بتوانند به طور مؤثر به تربیت دینی بپردازند چراکه متریبان از رفتار و کردار آنها تأثیر می‌پذیرند و الگوهای رفتاری خود می‌بینند. نهایت اینکه او، حفظ سنت های دینی که حامل حکمت جاویدانند و راه ارتباط با حقیقت مطلق است را وظیفه مربیان و از راه آموزش های دینی می‌داند.

شوان می‌گوید، وقتی آموزگار معنوی دلیلی در اختیار متریبان می‌گذارد تصورش این است که آنها مجدانه طالب حقیقتند و انتظار دارد معنی را دریابند. حقیقت و فضیلت جز ضروری طریقت است و سیر رهنمون شدن ما به سوی خداست. حقیقت، امر بسته بندی شده نیست که تا فرد لازم شد تقدیمش کنند. لذا بدون تعالیم یا ادراک حقیقت احدی قدرت تمیز حق از غیر حق نخواهد داشت و رشد شخصیت معنوی ممکن نخواهد شد. پس باید نیروی شهودمان را به کار اندازیم و خوب ببینیم، و صرفاً با عقلمان نیندیشیم، بدیهی است این دیدن با ممارست آموزگار معنوی در متربی ممکن است و صرفاً ادراک تجربی یا حسی نیست بلکه عقل عقل است. پس زندگی معنوی متضمن سعی و تلاش است باید خودمان را از سر راه برداریم تا خدای تعالی در ما عمل کند.

شوان، وجود مربی را به دلایلی لازم می‌داند.^۱ مربی دینی که به روش سنت زنده زندگی می‌کند از طرفی اسماء‌الله را از قداست‌زدایی حفظ و از طرف دیگر مربی را که ممکن است در صورت تکروری، سرگرم بازی با آتش شود محافظت می‌کند. مربی تربیتی این وظایف توأمان را با تشریح اقتضائات ضروری راه و سنجیدن اینکه آیا قابلیت‌های مربی، پاسخگوی این اقتضائات هست انجام می‌دهد این کار مربی کارکشته و مجرب است. کسی که هدف نهایی طریقت را در خود محقق ساخته، و در او عقل، عقل هم در نفس و هم در بدن به‌طور کامل نفوذ کرده است، لذا او آن را که هست می‌شناسد و مربیانی که تحت ارشاد چنین انسانی هستند خود را در تصرف و اختیار روح الهی قرار می‌دهند لذا چنین مربیانی نادرالوجودند (کوماراسوامی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶).

بدیهی است مربی دینی، دانای راه است، در زندگی معنوی بیش از ما پیش رفته پرتجربه است و مشورت‌های حکیمانه و رفاقت معنوی این مربی ارزشمند است، آداب و قواعد نیایش را می‌داند، لذا فیض و لطف نصیب کسانی می‌شود که خالصانه پیرو چنین مربیانی باشند.

۴-۵-۲. نقش محیط در تربیت دینی

به باور شوان، بدن ما، لباس ما، آنچه می‌خوانیم و گوش می‌دهیم همه جزئی از محیط ماست و هر کاری می‌کنیم، در واقع محیط روانی خلق می‌کنیم بر دیگران تأثیر می‌گذاریم و تأثیر می‌پذیریم همگی می‌تواند یاری‌گر تلاش‌های معنوی ما باشد. قسمتی از محیط ما، نحوه ظهور شخصیت ما برای دیگران، یعنی نحوه ارتباط ما با دیگر انسان‌هاست. اکثر ما اجباراً در شبکه پیچیده‌ای از روابط با دیگران زندگی می‌کنیم که ضمن آموختن ادب و حسن سلوک در آموختن فضیلت‌هایی مثل صبر و رضا نیز اهمیت خودش را دارد اما در عین حال در این محیط جای خالی برای روابط حساب‌شده‌تر مثل پیدا کردن افرادی که مانند ما سودای زندگی معنوی دارند نیز وجود دارد. شوان می‌گوید، نهایت از خود بپرسیم آیا محیط ما فضای مطبوع و مطلوب ملاقات با خدا را فراهم می‌کند و اگر خدای تعالی با همه زیبایی‌هایش درست وسط محیط زندگی ما ظاهر شود آیا این امور مختلف بساطشان درنور دیده می‌شد یا قوت می‌یافت (کاتسینگر، ۱۹۳۵، ص ۲۳۸). بدیهی است محیط فرد باید سرشت قدسی، شرافت و زیبایی طبیعت را آشکار و تداوم بخشد و مانند حرمی باشد که همه چیز دست به دست هم بدهند تا جان شما را به نیایش بشوراند و سیر به سوی خدا از تأثیر همه‌همه و مزاحمت‌های دنیا دور باشد.

۴-۵-۳. طرز پوشش

شوان معتقد است، توجه به امور مثل لباس و وسایل، خود نوعی احسان است درواقع ما می‌خواهیم به دیگران بفهمانیم ما در حد صدف زمینی^۲ در آنها متوقف نمی‌مانیم بلکه می‌خواهیم گوهر آسمانی‌شان را هم منظور کنیم. لذا پوشش ما در محیط تربیتی باید سرشت مقدس و شرافت را آشکار یا تداوم بخشد پس باید از شلختگی دوری کرد. دنیای مدرن، زیبایی حقیقت را تا حدی با خانه کردن درون ما از تمام سطوح آن طرد می‌کند، مهم‌ترین نکته اینست که هیچ چیز در ظاهر جسمانی ما نباید با هدف خدا از خلقت ما به مخالفت درآید. چه مرد و چه زن، باید نحوه پوششان زیبایی انسانی را آشکار کند طوری که مثل همه زیبایی‌ها اشارتاً به خدا حواله دهد (کاتسینگر، ۱۹۳۵، ص ۲۳۸).

۱. انتقال سنت اصیل (انتقال تجربه معنوی و درک عمیق از حقایق دینی). - تشخیص و رفع موانع: (مربی دینی می‌تواند موانع درونی و بیرونی مانع پیشرفت معنوی شاگرد، تشخیص و راهکار رفع آنها ارائه دهد). - راهنمایی در مسیر معنوی: سلوک معنوی مسیری پرخطر است. مربی دینی با بصیرت، شاگرد را از خطرات آگاه و او را هدایت می‌کند. ایجاد رابطه زنده با حقیقت: شوان، این رابطه، یک پیوند زنده با خداست که از طریق راهنمایی مربی، برای شاگرد قابل دسترسی می‌شود. تأیید و تصحیح تجربه معنوی: تجربیات معنوی می‌توانند مبهم باشند. مربی می‌تواند صحت تجربیات را تأیید و درک صحیح از آنها را به شاگرد ارائه دهد.

۲. «صدف زمینی» موانع و حجاب‌هایی است که انسان را از ادراک حقیقت باز می‌دارند و او را در دنیای توهمات و محدودیت‌ها گرفتار می‌کند. برای رهایی از این صدف، باید از خودبینی و نفس‌پرستی، وابستگی به امور دنیوی، تقلید کورکورانه دوری کرد، به حقیقت مطلق ایمان داشته باشد، و عقل خود را با شهود و تجربه معنوی تکمیل کند.

بدیهی است تعلیم و تربیتی که بر پایه ارزش‌های اخلاقی و متافیزیکی شکل گرفته باشد حتی طرز پوشش متربیان نیز منبعث از آموزه‌های قرآن و سنت شکل می‌گیرد و هیچ مربی حاضر نخواهد شد با تخطی از هنجارهای اخلاقی فضای تربیتی خود را خدشه‌دار کند.

۴-۶. عوامل تضعیف تربیت دینی

دهکده جهانی کنونی تکنولوژیکی علیرغم مزایای فراوان اما با بحران‌های بی‌شمار، مانعی برای تربیت صحیح در فضای سنتی می‌باشد (ری‌گرفین، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲). مهم‌تر اینکه از بعد از رنسانس بحران معنوی دنیای مدرن حادث شد و انسان به دور از معنویت پرورش داد و دین را مبدل به یک سلسله عواطف، احساسات اجتماعی کرد تا جایی که بیشتر متفکران غرب، ارزشی برای دین قائل نبودند. لذا در فضای خالی از معنویت، یکباره افق تمدنشان تیره شد و اندیشمندان زیادی پیشگویی انحطاطش کردند در چنین فضایی گون وجود بحران‌ها را فقدان ارزش‌های اخلاقی و معنویت دانست و تنها راه‌هایی از بحران ایجاد شده را بازگشت به سنت دانست. چراکه سنت را منبعث و ریشه در غایت الهی می‌دانست. بعد از او، شوان نیز دنیای مدرن فاقد اخلاق را نقد کرد به باور او خدا در رأس عالم است و اگر انسان به خاطر خدا دنیا را رها کند خداوند در آخرت بهتر از آن به او می‌بخشد پس باید در همه حال خدا را در همه چیز ببیند (نژاد ایران، ۱۳۹۵، ص ۷). اما متأسفانه در دنیای کنونی، که مادیات تقریباً همه‌کاره شده و فساد، تباهی، خیلی زیاد شده و اخلاق، و ارزش‌های دینی به حاشیه رفته، و حتی بزرگان تعلیم و تربیت دنیا، نیز عدم توجه به بعد معنوی در جامعه را نکوهش کرده‌اند از نظام تعلیم و تربیت انتظارات فراوانی می‌رود (شوان، ۱۹۸۴، ص ۱۳۸).

شوان معتقد است، چون دین و تربیت دینی رهاورد سنت هستند اگر تربیت دینی بخواهد موفق باشد باید این چالش‌ها را مورد تحلیل قرار دهد، پاسخگوی سؤالات و دغدغه‌های جوانان درباره دین باشد و مربیان نیز باید با نگاه انتقادی به باورها و آموزه‌های دینی، توانایی تحلیل و ارزیابی مطالب، زمینه نزدیکی علم و دین، گفتگوهای بین‌رشته‌ای، ایجاد فضاهایی برای تجربیات عملی دینی، از جمله مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و خدمت به دیگران را به متربیان بیاموزند تا متربیان به اخلاقیات و دین جذب شوند. همچنین، تربیت دینی باید بر مبنای احترام به تنوع باورها و مذاهب مختلف باشد. تا متربیان با دیدگاه‌های متفاوت آشنا شوند و درک عمیق‌تری از دین خود و دیگران پیدا کنند (مدنی، ۱۳۹۷، ص ۲).

بدیهی است چون امر تعلیم و تربیت به طور کلی و تربیت دینی به عنوان یک جنبه اصلی تربیت بر دوش آموزش و پرورش است می‌بایست از سوی این نهاد توجه شایانی به امر تربیت صورت گیرد و برنامه‌هایی طراحی شود که به تقویت هویت در جوانان بپردازد و مزایا و معایب دنیای مدرن به وسیله مربیان در اختیار متربیان قرار گیرد تا آنها در سایه نوگرایی، هویت خود را از دست ندهند.

۵. نتیجه‌گیری

می‌توان دریافت، شوان، فلسفه جاویدان را در دنیای کنونی یگانه منجی می‌داند که می‌تواند جای تجدد بنشیند چون ریشه در وحی دارد و از خدا نشأت می‌گیرد و توانایی هدایت انسان به حقیقه الحقایق دارد، پس می‌تواند رقیبی سرسخت برای دنیای تکنولوژیک باشد لذا می‌توان گفت: سنت گرایی در عرصه دین‌شناسی و نقد مدرنیسم، در حال حاضر یک جریان باارزش محسوب می‌شود و در زمینه علل تضعیف معنویت، نکات ارزشمندی در بر دارد. لذا سنت‌گرایان با تمرکز به رابطه معرفت و معنویت و تحلیل فرایندی آن که از روش‌های مهم آینده‌پژوهی است در زمینه پیش‌بینی آینده تربیت دینی، از پتانسیل ویژه‌ای برخوردارند. آنها با قائل شدن به منشأ و حقیقت متافیزیکی دین، ظاهر را در کنار باطن دین مد نظر دارند و با رویکرد عرفانی، معنویت دینی خاصی با مبانی قابل قبول و محکم عرضه و مسائلی که موجب شده تربیت دینی ضعیف شود کلیدی بررسی کرده و در این رابطه از قدرت پیش‌بینی برخوردار است. و اینکه سنت‌گرایان از جمله شوان، نقش دین را بسیار

پررنگ در نظر می‌گیرند چون دین با اتصالش به خداوند معنویت و ارزش‌های اخلاقی را همیشه مد نظر و در پیش می‌گیرد و سرانجام نیز دوباره به خدا برمی‌گردد و انتقاد شوان به دنیای مدرن از همین نقطه آغاز می‌شود که آنها تکنولوژی را ملاک می‌دانند و دین را به کناری نهاده‌اند ایشان نیز دستاوردهای علمی منهای دین بر نمی‌تابد و معتقد است انسان آفریده خدا نمی‌تواند بدون چراغ راه باشد باید ارزش‌ها، اصول، قوانین نیز برایش مهیا باشد که بتواند با آنها به سوی خدا بازگردد بنابراین، این چراغ راه، دین می‌نامند که آمده تا تغییرات اساسی در زندگی مطابق با مشیت خداوندی ایجاد کند پس به نقش دین و تربیت دینی ناشی از آن، نقش مربی، متربی، محیط بسیار تأکید دارند. لذا جهت مقاومت در برابر بحران‌های ایجاد شده ناشی از دنیای مدرن، نیاز به برنامه‌ای حساب شده و ایجاد نظام آموزشی کارآمد و دینی و مبتنی بر رویکرد عقلانی و با بصیرت نسبت به امر مطلق است تا بتوانیم برنامه‌های تربیتی دینی مفیدی برای متربیان در امتداد دین و اصول و ارزش‌های اخلاقی طرح‌ریزی کنیم. البته شوان، از نقش تغییر و تحول معنوی کارآمد نیز در زمینه تربیت دینی سخن می‌گوید. که هم به بُعد نظری و هم عملی دین می‌پردازد، که مهمتر از همه مستلزم نیایش، در بستری فراهم آمده از فضیلت، زیبایی و صدق است. لذا ایشان همواره بر نظریه یا تعلیم درست در کنار شیوه عمل یا روش سلوک کارساز و ثمربخش دینی، به عنوان دو شرط اساسی اعتبار و اصالت دین تأکید می‌کرد که در واقع هر سنت اصلی نمی‌تواند بی نصیب از حقیقت، فضیلت، زیبایی و نیایش باشد و اینکه تعالیم مابعدالطبیعی و معنوی باید آشکارا در دسترس متربیان باشد تا بتوانند از آن بهره‌مند شوند. و در عین حال لازم است که صاحب نظران نظام آموزشی در امر طراحی و تدوین متون کتاب‌های درسی به استفاده از قرآن و حدیث توجه فراوان کنند و آگاه باشند که منبع و آبشخور تربیت دینی به این دو سرچشمه الهی و ازلی متصل می‌باشد و یک بازنگری مجددی به اهداف تربیت دینی و انعکاس آنها در تمامی جنبه‌های حیات زندگی افراد جامعه و علی‌الخصوص متربیان داشته باشند تا آنچه لازمه رشد و تحول متربیان در جهت تربیت دینی باشد فراهم گردد.

تشکر و قدردانی

با توجه به اینکه این پژوهش برآمده از رساله نبی‌اله دهقان خلیلی دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز با راهنمایی‌های استاد راهنما (جناب آقای دکتر بابک شمشیری) و مشاورین رساله (جناب آقایان محمدحسن کریمی و امین ایزدپناه) می‌باشد لذا نویسنده مقاله از راهنمایی‌های ایشان، سردبیر، مدیران، کارشناسان و داوران فصلنامه علمی تربیت اسلامی تشکر و قدردانی می‌نماید.

تعارض منافع

«هیچگونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

۱. اطهری، سید حسین و مرتضی منشادی. (۱۳۹۳). «چیستی فلسفه سنت‌گرایی با تکیه بر آرای سید حسین نصر، مضامین، مفاهیم و دلالت‌ها»، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی ۱۳ (۳): ۵۱-۲۶.
<https://sid.ir/paper/485919/fa>
۲. اعوانی، غلامرضا. (۱۳۸۲). در معنای سنت از کتاب خرد جاویدان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. الدمو، کنت. (۱۳۸۹). سنت‌گرایی دین در پرتو فلسفه جاویدان، ترجمه: رضا کورنگ بهشتی، تهران: حکمت.
۴. امامی جمعه، مهدی وزهرا طالب. (۱۳۹۱). «سنت و سنت‌گرایی از دیدگاه فریتوف شوان و سید حسین نصر»، مجله علمی پژوهشی الهیات تطبیقی ۳ (۷): ۳۷-۵۶.
<https://sid.ir/paper/191872/fa>
۵. امامی جمعه، مهدی وزهرا طالبی. (۱۳۹۳). «رابطه انسان‌شناسی و خداشناسی در حکمت خالده با محوریت آرای شوان و سید حسین نصر»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی انسان پژوهی دینی ۱۱ (۳۲): ۶۹-۹۱.
<https://civilica.com/doc/2038320>
۶. حسن‌زاده، صالح و مهدی شیخ. (۱۳۹۵). «رابطه سنت‌گرایی با معرفت دینی»، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت ۱۶ (۴۷): ۸۶-۶۲.
 Doi: 10.52547/jiip.2023.230016.1355
۷. داوودی، محمد و علیرضا اعرافی. (۱۳۸۳). سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، تربیت دینی، جلد دوم، قم: موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
۸. ری‌گرفین، دیوید. (۱۳۸۱). خدا و دین در جهان پسامدرن، ترجمه: حمیدرضا آیت‌اللهی، تهران: آفتاب توسعه.
۹. شوان، فریتوف. (۱۳۶۸). آشنایی با اسلام، ترجمه: همایون عریضی، تهران: توس.
۱۰. شوان، فریتوف. (۱۳۸۶). آتما مایا، ترجمه: محمود بینای مطلق، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۱. شوان، فریتوف. (۱۳۷۲). اصول و معیارهای هنر جهانی از کتاب مبانی هنر معنوی، ترجمه: سید حسین نصر، تهران: نشر حوزه هنری.
۱۲. شوان، فریتوف. (۱۳۸۸). «انسان‌شناسی معنوی»، ترجمه: علیرضا عنایت، اطلاعات حکمت و معرفت، ۴ (۲): ۵۹-۶۱.
۱۳. شوان، فریتوف. (۱۳۸۱). گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه: مینو حجت، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۱۴. صالحی، محمدحسین. (۱۳۸۸). تفرج در باغ حکمت: توصیه به جویندگان حقیقی معنا: تأملاتی بر تعالیم معنوی فریتوف شوان (شیخ عیسی نورالدین احمد) حکیم و عارف سوئیسی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۵. قربانی، اکبر. (۱۳۹۴). وحدت متعالی ادیان. تهران، نگاه معاصر.
۱۶. قربانی، اکبر. (۱۳۹۴). «تحلیلی انسان‌شناختی از نظریه وحدت متعالی ادیان»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۱۵ (۵۴): ۱۰۵-۱۳۷.
<https://civilica.com/doc/1558213>
۱۷. کاتسینگر، جیمز. (۱۹۳۵). تفرج در باغ حکمت، ترجمه: محمدحسین صالحی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۸. کوماراسوامی، آناندا. (۱۳۸۹). هنر و نمادگرایی سنتی، ترجمه: صالح طباطبایی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
۱۹. لنگهاوزن، محمد. (۱۳۸۲). چرا سنت گرانستم خرد جاویدان، به کوشش شهرام یوسفی‌فر، تهران، فرهنگستان هنر.
۲۰. مدنی، محمدهادی. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی آینده معنویت دینی از منظر پست مدرنیسم و سنت‌گرایی، دانشگاه تهران.
۲۱. مشایخی راد، شهاب‌الدین. (۱۳۸۰). مجموعه مقالات تربیت دینی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۲۲. ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۶). سیری در سپهر جان مقالات و مقولاتی در معنویت، تهران: نگاه معاصر.
۲۳. نژاد ایران، محمد. (۱۳۹۵). «نقد ماهیت سلبی سنت‌گرایی در اندیشه سید حسین نصر»، جستارهای فلسفه دین، انجمن علمی فلسفه دین، (۱)۵: ۱۰۱-۱۲۲.
- <https://civilica.com/doc/1362882>
۲۴. نصر، سید حسین. (۱۳۸۱). معرفت و معنویت، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۲۵. نقیبی، شیما و بابک شمشیری. (۱۳۹۵). بررسی مفهوم دین در رویکرد سنت‌گرایی و دلالت‌های آن در حوزه تربیت دینی»، ادیان، مذاهب و عرفان، ۲۵ (۲۲۸): ۱۰۱-۱۱۶.
- <https://civilica.com/doc/327383>
26. Al-Damou, Kenneth (2000). Religious Traditionalism in the Light of Eternal Philosophy, translated by Reza Korang Beheshti, Tehran, Hekmat. [in Persian]
27. Athari, Seyyed Hossein, colleagues (2014). What is the philosophy of traditionalism based on the views of Seyyed Hossein Nasr, themes, concepts and implications, Filsnameh Philosophy and Islamic Theology, Aynah Ma'rifat, Shahid Beheshti University, Fall 2013. pp. [in Persian]
28. Awani, Gholamreza (2003). An article on the meaning of tradition from the book of eternal wisdom, Tehran, Tehran University Press. [in Persian]
29. Coomaraswamy, Ananda (2009). Traditional Materialism in Art, translated by Saleh Tabatabaei, Tehran, Art Academy Publications, [in Persian]
30. Cutsinger, James S (1997c), Advice to the Serious Seeker: Meditations on the Teaching of Frithjof Schuon, SUNY Press.
31. Davoudi, Mohammad, Aarafi, Alireza (2004). The educational life of the Prophet (PBUH) and the Ahlul Bayt (AS), Religious Education, Volume 2, Qom: Seminary and University Research Institute. [in Persian]
32. Emami Juma, Mehdi, Talebi, Zahra (2014). The relationship between anthropology and theology in the Khalidah Wisdom with the focus on the views of Schwan and Seyyed Hossein Nasr, Bi-Quarterly Scientific-Research Journal of Religious Anthropology, Year 11, Winter 2014, pp. 9-69, [in Persian]
33. Emami Juma, Mehdi; Taleb, Zahra (2012). Tradition and Traditionalism from the Perspective of Fritijof Schwan and Seyyed Hossein Nasr, Comparative Theology, Scientific Research Journal, Year 3, Summer 2012. pp. 37-56. [in Persian]
34. Ghorbani, Akbar (2015). An Anthropological Analysis of the Theory of the Transcendent Unity of Religions, Shiraz University Quarterly Journal of Religious Thought, Volume 15, Spring 2015, pp. 105-137. [in Persian]
35. Ghorbani, Akbar (2015). The Transcendent Unity of Religions. Tehran, Contemporary Perspective. [in Persian]
36. Hassanzadeh, Saleh, Sheikh, Mehdi (2016). The Relationship between Traditionalism and Religious Knowledge, Quarterly of Islamic Philosophy and Theology, Aynah Ma'rifat, Shahid Beheshti University, Summer 9. pp. 62-86. [in Persian]
37. Katsinger, James (1935) A Walk in the Garden of Wisdom, translated by Mohammad Hossein Salehi, University of Religions and Sects Publications, 2009. [in Persian]
38. Langhausen, Mohammad (2003). Why I am not a traditionalist, Eternal Wisdom, by Shahram Yousefifar, Tehran, Academy of Arts, [in Persian]
39. Madani, Mohammad Hadi (2018). A comparative study of the future of religious spirituality from the perspective of postmodernism and traditionalism, University of Tehran. [in Persian]

40. Mashayekhi-Rad, Shahab-Al-Din (2001). Collection of articles on religious education, Qom, Institute of Religious Studies and University. [in Persian]
41. Naghibi, Shima, Shamshiri, Babak (2016). Studying the concept of religion in the traditionalist approach and its implications in the field of religious education, religions, sects and mysticism, December – 2016, [in Persian]
42. Nasr, Seyyed Hossein (2002). Introduction and Spirituality, translated by: Insha'Allah Rahmati, Tehran, Sohravardi Research and Publishing House. [in Persian]
43. Nasr, Seyyed Hossein (ed.) (1991), The Essential Writings of Frithjof Schuon USA, Element Books Ltd
44. Nejad Iran, Mohammad (2016). Criticism of the negative nature of traditionalism in the thought of Seyyed Hossein Nasr, Essays on the Philosophy of Religion, Scientific Society of Philosophy of Religion, Fifth Year, Summer 2016. pp. 101-122. [in Persian]
45. Ray Griffin, David (2002). God and Religion in the Postmodern World, translated by Hamid Reza Ayt-Olahi, Tehran, Aftab Tose. [in Persian]
46. Schuon, Frithjof (1985), Sufism: Veil and Quintessence, Pakistan: Lahore.
47. Schuon, Frithjof (1987), Spiritual Perspectives and Human Facts, London, Perennial Books.
48. Schuon, Frithjof (1990), To Have a Center, USA, Bloomington, World Wisdom Books.
49. Schuon, Frithjof (1976), Islam and the Perennial philosophy , Al Tajir Trust.
50. Schuon, Frithjof.(1953). the transcendent unity of religion,trans.peter townsend, London: faber and faber limited.
51. Frithjof Schuon (1981a), Esoterism as Principle and as Way, Trans. William Stoddart. London: Perennial Books.
52. Schuon, Frithjof, (1984a), Logic and transcendence. Trans. Peter N. Townsend. London: Perennial Books
53. Schwan, Frithieff (2009). “Spiritual Anthropology”, translated by Alireza Enayat, Information on Wisdom and Knowledge, No. 2, May 2009. [in Persian]
54. Schwan, Frithhoff (2002). The Gem and the Shell of Islamic Mysticism, translated by Minoo Hojjat, Tehran: Sohravardi Research and Publishing Office. [in Persian]
55. Schwan, Frithhoff (2003). The article Principles and Standards of World Art from the book Fundamentals of Spiritual Art, translated by Seyyed Hossein Nasr, Tehran, Hozeh Hanari Publishing House. [in Persian]
56. Schwan, Frithhoff (2005). Reason and the Reason of Reason, translated by Babak Alikhani, Tehran, Hermes. [in Persian]
57. Schwan, Frithhoff (2007). “Atma Maya”, translated by Mahmoud Binay-e-Motlagh, Tehran: Institute for Research and Development of Human Sciences, [in Persian]
58. Schwan, Frithhoff (2009). Introduction to Islam, translated by Homayoun Erezi, Tehran: Toos. [in Persian]